



بسم الله الرحمن الرحيم

شکر و سپاس بی حد و حصر به درگاه عظمت پروردگار، که به بخشی از بهترین فرزندان انقلاب توفیق داد تا بتوانند وظیفه‌ی خطیری را در دفاع از والاترین حقیقت الهی در زمان معاصر انجام بدهند. بزرگترین نعمت خدا درباره‌ی ما مردم این است که ما را در زمانی آفرید و قرار داد که می‌توانیم در راه آرمانهای بزرگ اسلامی جهاد و تلاش کنیم و امیدوار، بلکه مطمئن به موفقیت باشیم.

روزی بود که مؤمنان صادقی آرزو می‌کردند که بتوانند در راه خدا دفاع کنند، ولی نمی‌توانستند؛ راهها به روی آنها بسته، فضا با ابرهای ظلمانی سلطنت و حکومت طواغیت پر شده، و امکان هرگونه سرمایه‌گذاری فکری و علمی و جسمی و روحی در راه آرمانهای اسلامی ناموجود بود؛ در خون دل زندگی می‌کردند و با خون دل از دنیا می‌رفتند. امروز راهها به روی ما و فرزندان این دوران باز، و فضا گشوده است؛ آینده امیدبخش است و امکان برای دفاع از ارزشهای مظلوم الهی و اسلامی، در دسترس ماست. این، نعمت بزرگ الهی است؛ باید آن را قدر بدانیم و هر لحظه از عمر در این دوران را، معادل سالها عمر به بطالت گذشته‌ی بخشی از انسانهای غافل در همه‌ی زمانها به حساب آوریم.

قرآن صریحاً وعده کرده است که «لیظهره علی الدین کله» (1). قرآن با زبانهای مختلف گفته است که این حقیقت و این سلسله‌ی ارزشها در تاریخ بشریت، بر همه‌ی شبه‌ارزشها و ضد ارزشها فایق خواهد آمد. قرآن صریحاً گفته است که «العاقبة للمتقين» (2)؛ فرجام کار، متعلق به مؤمنان و پرهیزگاران است. چگونه ممکن است اسلام درحالی که در کنج عزلت و انزواست، بر تفکرات پوшالی و تحمیلی و ارزشهای ضد ارزش و تحمیل‌شده‌ی بر بشریت مظلوم فایق بیاید؟

سالها اسلام بود، اما نه در صحنه‌ی فعالیت‌های اساسی عالم. يك دوران طولانی، اسلام در دستگاه حکومت‌های مسلمان نام و بی‌خبر از اسلام، منزوی بود. در طول سلطنت‌های مفصل ایران و عثمانی و هند که ظاهراً مسلمان بودند، اسلام به معنای حقیقی کلمه در دستگاهشان نبود؛ اسلام منزوی بود. بعد هم که از دو، سه قرن پیش به این طرف، دوران پیشرفت غرب و اروپا پیش آمد و ارزشهای مادی به شکلهای مختلف بر دنیا حاکم شد، اسلام و مسلمانی کاملاً در غربت و انزوا افتاد؛ حتی سعی می‌کردند که نام اسلام را هم به دست فراموشی بسپارند؛ سعی می‌کردند تا کشورهای مسلمان را هم با تفکرات لایبکی و غیر اسلامی حتی از صورت اسلام جدا کنند. «بسم‌الله» گفتن در اول حرف زدن ننگ بود. نماز خواندن ننگ بود. مسلمان زیستن به معنای واقعی محال بود. تظاهرات اسلامی، بیشتر تشریفاتی بود. از معنویت اسلام، از جهاد اسلام و از ارجحیت اسلام در مقابل رقیب‌های مادی، خبری نبود. در آن شرایط، وعده‌ی «لیظهره علی الدین کله»³، چگونه می‌توانست عملی بشود؟

برای این که وعده‌ی خدا - یعنی پیروزی اسلام بر همه‌ی کفر و الحاد، پیروزی ارزشهای الهی بر همه‌ی مادیگریهای کوتاه‌نظرانه - به تحقق بپیوندد، باید اسلام در عرصه‌ی زندگی خودش را مطرح می‌کرد. خدای متعال چنین مقدر کرد که این کار به دست یکی از شایسته‌ترین و برترین بندگان عملی شود، و شد. آن عبد صالح، آن جانشین بحق پیامبران و اولیای دین، آن انسان وارسته‌ی از مادیات در وجود و در زندگی و در اندیشه‌ی خود، آن انسان هضم‌شده‌ی در اسلام و فانی در الله، این توفیق و این نعمت و این لطف بزرگ را از خدای متعال دریافت کرد که پیشقراول و



مبشر این راه و دست توانای اسلام و قرآن در این دوران غربت و انزوا باشد.
www.leader.ir

اسلام به وسط صحنه آمد و در دنیا مطرح شد. اول آن را جدی نگرفتند؛ اما پس از آن که خطر آن را درک کردند، توطئه‌ها را با شدت هرچه تمامتر آغاز کردند؛ که یکی از آن توطئه‌ها، جنگ هشت‌ساله بود. اما همت این ملت مؤمن، این شاگردان آموزش‌یافته‌ی در مکتب دین، این استفاده‌کنندگان از نفس گرم آن عبد صالح و بنده‌ی فانی فی‌الله، و همت شما جوانان مؤمن و عاشقان راه خدا، باعث شد تا بتوانید بسلامت از این تجربه‌ها بیرون بیایید و انقلاب و اسلامتان را درخشانتر کنید.

در این سالهای دشوار امتحان، کاری شد که اسلام - که بناست برای غلبه‌ی بر ارزشهای ضد الهی و ضد انسانیت به وسط صحنه بیاید - هرچه بیشتر به وسط صحنه آمد؛ خود را در دنیا مطرح کرد و ارزش و قدرت و عمق وجود خود را نشان داد. امروز بعد از پایان اردوبندیهای استکباری دوگانه در عالم، و به ظاهر یکسو و یک‌جهت شدن قدرتهای مادی و استکباری، چشمها به سوی این قهرمان هزاروچهارصد ساله - یعنی پرچم اسلام و پرچمدار بزرگ آن، ملت عظیم‌الشأن ایران - است که امروز برخاسته، گرد و غبار زمانه را از خود فرو ریخته، به وسط صحنه آمده، مسؤولیت خود را به دنیا اعلام کرده، و با قدرت هرچه تمامتر در مقابل همه‌ی قدرتهای مادی ایستاده است.

همه متوجه شما هستند؛ هم قدرتهای چپاولگر عالم و جهانخواران، هم مظلومان عالم، هم آن کسانی که در صحنه منتظرند تا ببینند کفه به سود کدام طرف سنگینتر خواهد شد. امروز ملت فلسطین چشمشان به شماست. ملت‌های مظلوم و روشنفکران مسلمان، نگاهشان به سوی شماست. حتی کسانی هم که مسلمانی را نشناخته‌اند، در دلشان فروغ امیدی از سوی شما هست. این همان سکویی است که باید ملت مسلمان ایران، و به دنبال آن دیگر ملت‌ها، به سوی «لیظهره علی‌الدین کله» (3) پرش و حرکت کنند. این، کار بزرگی است. این کار، قدرت ایمان، قوت اراده، توکل به خدا، آمادگی معنوی و مادی می‌خواهد.

امروز بار امانتی که بر دوش ما ملت ایران است، از همیشگی تاریخ سنگینتر است. امروز چشم جهانی به ما می‌نگرد و متوجه به ماست. خدای متعال این مسؤولیت را در مقابل ما قرار داده است. اگر ما خدای نکرده در انجام این مسؤولیت کوتاهی کنیم، بار مسؤولیت خدا بر زمین نخواهد ماند و خدای متعال کسان دیگری را که از ما بهتر و شایسته‌تر باشند، به برداشتن این بار امانت برخواهد گزید. اما ملت ما با این همه شهید، با این همه تلاش موفق، با این همه صدق و صفا در وفا به وعده‌ی خود با خدا و با اولیای خدا، برای برداشتن این بار سنگین، شایسته‌ترین است.

امروز علی‌رغم پیروزیهای ظاهری امریکا در صحنه‌ی سیاسی عالم و در صحنه‌ی جنگ نابرابر با رژیم شکست‌خورده و ذلیل عراق - که این پیروزیهای خیالی، امریکا را مغرور کرده است - واهمه و دغدغه‌ی شدیدی در دل سردمداران استکبار وجود دارد؛ آن هم فقط از ناحیه‌ی اسلام. نمی‌خواهند به این قضیه اعتراف کنند؛ نمی‌خواهند اسلام و انقلاب و حرکت و خیزش اسلامی را در حرفهای خود بزرگ کنند؛ اما علی‌رغم میلشان، آنچه در دل آنهاست، آشکار و معلوم می‌شود که از حرکت عمیق اسلامی بشدت بیمناکند.

خیانتی که امروز نسبت به سرزمین مقدس فلسطین و به سود رژیم غاصب اسرائیل انجام می‌گیرد، درحقیقت حرکت و تدبیری برای مقابله‌ی با خیزش اسلامی در منطقه است. با این عجله می‌خواهند جای پا را در منطقه قرص کنند، تا بتوانند از خیزش اسلامی ملت‌ها جلوگیری کنند. آیا خواهند توانست؟ ممکن است به ظاهر درباره‌ی مسأله‌ی فلسطین نشست و برخاستی بکنند؛ اما امکان ندارد که دشمنان ملت اسلام و امت بزرگ اسلامی بتوانند علی‌رغم



خواست ملت‌های مسلمان، این توطئه‌ی بزرگ را به کرسی بنشانند. مسأله‌ی فلسطین، این‌طوری حل نخواهد شد. مبارزه و جهاد، با شور هرچه بیشتر باقی خواهد ماند. www.leader.ir

شما بدانید از سال‌های اول انقلاب تا امروز، توطئه‌ها به سمت ملت ایران و به سمت جمهوری اسلامی متوجه بوده است و متوجه خواهد ماند. آنها از انقلاب می‌ترسند، از شما می‌ترسند؛ و این ایجاب می‌کند که ما آماده باشیم.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آزمایش بسیار بزرگی را در دفاع از انقلاب و قرآن نشان داده است؛ این مایه‌ی روسفیدی شماست. نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در عرصه‌های نبرد خونین، زیباترین صحنه‌ها را آفریده و درخشانترین برگ‌ها را در پرونده‌ی خود چیده است. شما جوانان عزیز و مؤمن، شما سرداران و فرماندهان، شما کسانی که بهترین سال‌های جوانی خود را در دشوارترین تجربه‌ی دفاع مقدس و خونین بسر بردید، باید آمادگی خود را روزبه‌روز بیشتر کنید. مبدا خیال کنید که چون به ظاهر جنگی نیست، پس توطئه‌ی دشمن هم نیست. یک لحظه غفلت جایز نیست.

بنیه‌ی معنوی سپاه را تقویت کنید. ایمان، تقوا، توجه به خدا، گریه‌ی شوق و محبت در محراب عبادت، دعا و ذکر و نیایش و استغفار را از یاد نبرید؛ این حیات دل‌های ماست؛ این مایه‌ی پیروزی‌های حقیقی ماست. نظم و انضباط را که شرط اصلی برای توانایی هر سازمان نظامی است - و من امروز بحمدالله نشانه‌های بسیار جالبی از آن را مشاهده کردم و در مقابل چشم می‌بینم - هرچه بیشتر اهمیت بدهید. آموزش نظامی و تمرین‌های نظامی و مانورهای گوناگون و برتری و پیشرفت دانش نظامی و استحکام سازماندهی را در همه‌ی سطوح و در همه‌ی رده‌ها در نظر داشته باشید. سپاه را این‌گونه اداره و تقویت کنید.

سعی کنید همچنان که این سازمان مبارک - سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - انقلابی متولد شده، همواره انقلابی بماند و در جهت هدف‌های انقلاب حرکت کند. وحدت نیروهای مسلح را حفظ کنید. با ارتش و با نیروی انتظامی، در نهایت صفا و برادری حرکت کنید. هر کدام کاری و شغلی و مسؤولیتی و راهی به سوی تکامل خود دارند؛ همه باید این راه را بپیمایند.

به امید خدا پیش بروید و مطمئن باشید که خدای متعال شما را کمک خواهد کرد؛ «ولینصرنّ الله من ینصره انّ الله لقویّ عزیز» (4). روح مقدس امام امت از شما شاد باد و ادعیه‌ی زاکیه‌ی ولیّ الله الاعظم (ارواحنا فداه) شامل حال شما باد.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

1 و 3). توبه: 33

2) اعراف: 128

4) حج: 40